# نگاهي به راهبردهاي ارزشي پيامبر درمسير وحدت اسلامي

## مشخصات كتاب

شماره كتابشناسي ملي :ايران۷۸-۱۵۷۴۳  
سرشناسه :حسيني حسين عنوان و نام پديدآور :نگاهي به راهبردهاي ارزشي پيامبر اكرم در وحدت اسلامي حسيني حسين منشا مقاله : ، مشكوه ش ۶۰، ۶۱ ، (پاييز، زمستان ۱۳۷۷): ص ۱۹ - ۳۸.  
توصيفگر : وحدت اسلامي توصيفگر : جامعه اسلامي توصيفگر : محمد(ص ، پيامبر اسلام توصيفگر : وحدت ملي توصيفگر : مسلمانان توصيفگر : يهوديان توصيفگر : تاريخ اسلام توصيفگر : قرآن توصيفگر : نژادپرستي توصيفگر : ملي‌گرايي قومي توصيفگر : اعراب‌

## مقدمه

عنوان «راهبردهاي ارزشي و اجتماعي به بررسي نقش و تاثير پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در به كارگيري عامل «وحدت اسلامي به عنوان يكي از ابزارها در جامعه اسلامي آن زمان مي‌پردازد.در يك تقسيم‌بندي كلي نقش پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در پايه‌گذاري وحدت امت اسلامي شامل سه مطلب بنيادين مي‌شود: نخست تلاش در وضعيت جامعه عربي آن زمان و به كارگيري عوامل «سياسي جهت زمينه‌سازي‌هاي لازم; سپس برنامه‌ريزي‌هاي «فرهنگي در مسير ترسيم دورنماي امت واحده براي مسلمانان و ايجاد فضاي رشد فكري و ارتقاي فهم مردم نسبت‌به مسؤوليت‌هاي خود; و در نهايت، به كار بستن راه‌حل‌هايي كه پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله از آنها به عنوان ابزار تحقق وحدت بهره مي‌گرفت.اين چنين راهبردهايي را مي‌توان تحت عنوان «دعوت ارزشي پيامبرصلي الله عليه وآله برشمرد كه پاره‌اي از آنها شامل «راهبردهاي ارزشي ملي و مذهبي ، «راهبردهاي ارزشي قومي و ميهني و نيز «راهبردهاي ارزشي اجتماعي و فردي خواهند بود. و اينك به هر بخش اشاره‌اي گذرا خواهيم كرد.

## راهبردهاي ملي و مذهبي

### ايجاد وحدت ملي و همبستگي ايماني

ورود پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله به مدينه همراه با عقد قراردادهايي بين گروههاي گوناگون بود. اين پيمان‌ها را مي‌توان يكي از بارزترين شواهد به كارگيري رهيافت وحدت اسلامي در جامعه آن زمان شمرد.پيمان‌نامه عمومي مدينه: يكي از مهمترين اين پيمانها، اولين قراردادي بود كه بين پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله و طوايف و قبايل موجود يثرب بسته شد و بعضي آن را «نخستين قانون اساسي مكتوب جهان دانسته‌اند. اين تدبير بهترين مقوله براي به وجود آوردن وحدت ملي و همبستگي ديني بود چرا كه وحدت ميان قبايل درگير، حقوق اجتماعي يهوديان و نيز مهاجران مسلمانان را تصمين مي‌كرد و از سوي ديگر، اين پيمانها مقدمات تشكيل يك وحدت سياسي و حكومتي را فراهم مي‌آورد.به عنوان نمومه در مفاد قرارداد بين مسلمين بروشني قيد شده بود كه مسلمين امت واحده‌اي، جداي از مردم ديگر هستند: (انهم امة واحدة من دون الناس)، و ارتباطي بين مسلمانان و كافران نيست و دوري بين مسلم و مسلم نبايد باشد. اگر چه روح حاكم بر اين پيمانها همانا به كارگيري ابزار وحدت اسلامي در جهت راهبرد ارزشي پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در جامعه اسلامي است و از همين‌رو تمام زموارد آن مصداق اين امر قرار دارند، ولي به بعضي از آن موارد اشاره مي‌كنيم: [1] .- مسلمين در برابر ظلم و تجاوز و توطئه و فساد با هم متحد خواهند بود.- هيچ مؤمني بدون اشاره ساير مؤمنان در جهاد في سبيل‌الله صلح نمي‌كند و صلح جز براي همگان اجرا نخواهد شد.- تمامي گروهها (كه به جنگ مشغول‌اند) به ترتيب وارد جنگ خواهند شد و جنگيدن به يك گروه (دومرتبه پشت‌سرهم) تحميل نخواهد شد.- «ذمة الله نسبت‌به همه افراد يكسان است.- اگر اختلافي بين مسلمين بروز كرد، مرجع حل آن خدا و رسول خواهند بود.- مسلمين، فرد مقروض و مديوني را كه دين او سنگين است رها نخواهند ساخت، بلكه اور ا كمك مي‌كنند.و در قسمت ديگري از اين عهدنامه تاريخي كه طرف خطاب آن يهوديان مدينه بودند، اموري پيشداوري شد كه توجه به مفاد آن حاكي از انگيزه تحقق وحدت ملي توسط پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله است:- مسلمانان و يهوديان امت واحده‌اند و مانند يك ملت در مدينه زندگي خواهند كرد و هر يك دين خود را دارند.- به يهوديان هم‌پيمان، همراهي و كمك خواهد شد و متقابلا وقتي مسلمين آنها را به مصالحه مي‌خوانند، يهوديان بايد بپذيرند.- مسلمين و يهود هر دو بايد بر ضد كساني كه با اين قرارداد به مخاصمه برمي‌خيزند، مبارزه كنند.- هر دو بايد با ياري يكديگر در برابر مهاجمان به يثرب بجنگند.- هيچ كافري از ناحيه دو طرف اجير نشود مگر اين كه به مصلحت هر دو گروه باشد.به هر حال، بايد چنين نتيجه گرفت كه كوشش براي ايجاد حساسيت مشترك ديني و ملي يكي از شاخص‌ترين راه‌حل‌هاي پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در جهت تحقق وحدت اسلامي شمرده مي‌شود.تثبيت وحدت ايماني: پيامبرصلي الله عليه وآله بعدها نيز در مسير تثبيت همبستگي ايماني مسلمين مكررا بر اين موضوع تاكيد فرمود. در بخشي از سخنان حضرت پس از فتح مكه و در مسجدالحرام چنين نقل كرده‌اند كه فرمود: «المسلم اخ المسلم والمسلمون هم يد واحد علي من سواهم تتكافوا دمائهم يسعي بذنبهم ادناهم . [2] .ايجاد چنين حس مشترك ديني و پيوستگي مذهبي واحد بين مؤمنان در كلام زيبايي منسوب به حضرت كاملا مشهور است كه: «المؤمنون كنفس واحدة .همچون آن يك نور خورشيد سما صد شود نسبت‌به صحن خانه‌ها ليك يك باشد همه انوارشان چون كه برگيري تو ديوار از ميان چون نماند خانه‌ها را قاعده مؤمنان مانند نفس واحدهو البته رمز اين پرتو نوراني نيز در روح انساني و الهي مؤمنان خواهد بود كه:جان حيواني ندارد اتحاد تو مجو اين اتحاد از روح بادجان گرگان و سگان از هم جداست متحد جانهاي شيران خداست(مولوي)

### پيوند روح اخوت و برادري

پيدايش تعلق اجتماعي: در نخستين سال ورود پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله به مدينه يكي از مهمترين ابتكارها و راهبردهاي مهم حضرت در به كارگيري عامل وحدت ديني واقع مي‌شود; يعني پيوند (عقد) مواخات بين كليه مسلمانان اعم از مرد و زن:دو قبيله كاوس و خزرج نام داشت يك ز ديگر جان خون آشام داشتكينهاي كهنه‌شان از مصطفي محو شد در نور اسلام و صفااولا اخوان شدند آن دشمنان همچو اعداد عنب در بوستانوز دم المؤمنون اخوه، به پند درشكستند و تن واحد شدندغوره‌اي كو سنگ بست و خام ماند در ازل حق كافر اصليش خواندني اخي ني نفس واحد باشد اودر شقاوت نحس ملحد باشد اوآفرين بر عشق كل اوستاد صد هزاران ذره را داد اتحاد(مولوي)رسول خداصلي الله عليه وآله در يك مجلس عمومي مي‌فرمايد: «تآخوا في الله اخوين اخوين . [3] .اين پيمان برادري همگاني تنها براساس نفي انگيزه‌هاي قومي و قبيله‌اي و بر محور حق و همكاري اجتماعي شكل گرفت چه اين كه: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم ترحمون . (حجرات /10)پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله بين هر مهاجر و يكي از مردم مدينه عقد برادري بست و در يك انگاره تاريخي، حضرت علي را در دنيا و آخرت برادر خود خواند كه: «انه مني و انا منه .به هر ترتيب، اين تصميم داهيانه، كارآمدترين ابزار تحقق الفت فراگير در جامعه آن زمان بود كه نشان از همه كوشش پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله براي پيدايش يك تعلق اجتماعي بالنده بر محور ايمان به خدا داشت.محبت الهي پايه تشكيل جامعه آرماني: جامعه مطلوب پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله، نظامي است كه تمامي اعضاي آن بر محور ديانت توحيدي، پيوند برادري با يكديگر دارند و مكلف هستند آن را استوار نگه دارند تا خداوند عزيز حكيم نيز زمينه‌هاي الفت و وحدت دلها را (به قدرت خود) پايدار سازد و بدين‌سان پايه‌هاي تفاهم اجتماعي جامعه اسلامي محكم گردد: «وان يريدوا ان يخدعوك فان حسبك الله هو الذي ايدك بنصره وبالمؤمنين - والف بين قلوبهم لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت‌بين قلوبهم و لكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم.» (انفال /62 و63)براساس مفاد آيات الهي اولا بدون تحقق الفت اجتماعي نمي‌توان سخن از جامعه كرد; ثانيا تحقق اين امر تنها به ست‌خداست، ثالثا مؤمنان نيز قادرند شرايط و زمينه‌هاي وحدت اجتماعي را فراهم آورند. [4] .كلام راستين خداوند پيرامون مساله برادري قبايل يثربي نيز بس گوياست; «واعتصموا بحبل الله جميعا ولاتفرقوا واذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا... «(آل عمران /103)جامعه آرماني پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله كه در آن روح اخوت و برادري موج مي‌زند، جامعه‌اي است كه در شدت بر كفر و رحمت‌به ايمان، حول يك محور، وحدت مي‌يابند، يعني: «محمد رسول الله و الذين معه اشداء علي الكفار رحماء بينهم . (فتح /29)جامعه‌اي كه مانند پيكره‌اي واحد است و تمام افراد آن در ارتباطي وحدت‌بخش با يكديگر پايدار مي‌مانند و روح عشق و ايمان مذهبي در تار و پود آن جريان دارد: «مثل المؤمنين في توادهم وتراحمهم وتعاطفهم كمثل جسد واحد اذا اشتكي منه عضو تداعي له سائر الاعضاء بالسهر والحمي . [5] .بهره‌وري از ظرفيت‌هاي اجتماعي: در نتيجه پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله با طرح پيمان برادري انصار و مهاجران، از ظرفيت‌خاص چارچوب اجتماعي جامعه عربي (كه حمايت از هم‌پيمانان خود بوده) در جهت اهداف تحقق امت واحده بهره برد و اين موفقيت‌بارز پيامبرصلي الله عليه وآله نه تنها باعث تعجب افرادي چون ابوسفيان شد، كه حتي آثار و پيامدهاي اين مساوات اسلامي تا مقدم داشتن اموال و دارايي‌ها نسبت‌به يكديگر پيش رفت. مورخان نقل مي‌كنند كه در جريان برادري مهاجر و انصار، پيماني بسته شد كه شامل مشاركت در ميراث هم بود و در همين راستا رويداد تقسيم غنايم جنگي «بني‌النضير» از بهترين نمونه‌هاست.به هر حال، سراسر وقايع تاريخ اسلام گوياي شواهدي است كه نقش پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله را در جلوگيري از افتراق صفوف مسلمين و متقابلا بهره‌بري ابزار وحدت اسلامي نشان مي‌دهد و اين دستور آشكار قرآن بود كه: «ولاتكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا...» (آل‌عمران /105)تلاش پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در ايجاد وحدت به اوج كوشش‌هاي ممكن، مي‌رسد و چون آرمان وحدت را يكي از رسالت‌هاي الهي بعثت‌خود مي‌داند; و رنج تفرق مؤمنان بر او گران مي‌آيد و سخت مهربان و هواخواه آنان است، پس در اين راه تمام توان خود را به كار مي‌برد كه: «لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم . (توبه/128) و شايد به همين دليل است كه خود مي‌فرمايد: «ما اوذي نبي مثل ما اوذيت.» [6] .راهكار سازگاري و همدلي: موضوع «اصلاح ذات البين و سفارشها و موضعگيري‌هاي پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله پيرامون آن نيز، در رديف راهكارهاي ايجاد برادري قرار مي‌گيرد:«... وفي الخبر عن ابي‌ايوب قال: قال رسول‌الله‌صلي الله عليه وآله: يا ابا ايوب الا ادلك علي صدقة يحبها الله و رسوله قال: بلي. فقال رسول‌الله: تصلح بين الناس اذا تفاسدوا... و في راويه تسعي في صلاح ذات البين اذا تفاسدوا و تقرب بينهم اذا تباغضوا». [7] .و نيز نقل شده كه درباره آيه اخوت از پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله پرسش كردند، فرمود: مزد آن كس كه در برقراري آشتي ميان مردمان بكوشد; برابر مزد كسي است كه در راه خدا پيكار كند. [8] .بدين‌ترتيب يكي از اين شيوه‌ها را در تصميمي كه پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله مبني بر «اصلاح ذات البين در مورد تقسيم غنايم جنگ بدر مي‌گيرد، مشاهده مي‌كنيم. قطعا فقدان قانون خاص تقسيم غنايم و نيز عدم آمادگي تربيتي و اخلاقي كامل مسلمانان آن دوره، عواملي بود تا در وحدت پوياي جامعه اسلامي ايجاد خلل كند. از اين‌رو، پيامبرصلي الله عليه وآله مامور به اصلاح امور و حفظ يكپارچگي ملت مي‌شود و مؤمنان نيز موظف به رعايت همدلي و تبعيت از رسول اكرم‌صلي الله عليه وآله كه: «فاتقوا الله واصلحوا ذات بينكم واطيعوالله ورسوله ان كنتم مؤمنين . (انفال /1)پيامبرصلي الله عليه وآله به گونه‌اي اختلاف‌زدايي مي‌كند كه شقاقي (هر چند ناچيز) در پيكره وحدت ديني مسلمين سر برنياورد; چنان كه مورخان نقل كرده‌اند، پيامبر اسلام‌صلي الله عليه وآله حتي براي گروهي هم كه در جنگ حاضر نبودند سهمي از غنيمت قرار مي‌داد. [9] .جالب توجه است كه پيش از آغاز جنگ بدر، پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله با وجود اعلام حمايت عده‌اي از مهاجران، در انتظار اعلام رضايت انصار مبني بر آمادگي جهاد نبرد با دشمن است; چون محتواي قرارداد انصار با پيامبرصلي الله عليه وآله درباره دفاع از حضرت در داخل شهر مدينه بود و نه همراهي در جنگ‌هاي خارج، لذا پيش از حركت‌به دنبال راي و نظر انصار بود و پس از اطمينان از ياري آنان آماده كارزار مي‌گردد.اين امر در واقع نشان از اهتمام پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله به رعايت‌سنت‌هاي اجتماعي و ملاحظه شرايط خاص سياسي زمان دارد. [10] .تفوق به جاي تفرق: رويداد ديگري كه در جريان جنگ احد شاهديم دستوري است كه قرآن به پيامبرصلي الله عليه وآله مي‌دهد مبني بر عدم ملامت پاره اي مسلمانان به سبب فرار از جنگ و در برابر، بخشودن آنها و سعي در اميدوار ساختن و همكاري به گونه‌اي كه جذب جامعه اسلامي شوند و در مسير اصلاح و تربيت روحي قرار گيرند: «فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر...» (آل‌عمران /159)قطعا يكي از ريشه‌هاي اصلي چنين تصميم پسنديده‌اي، همخواني با وحدت و يكپارچگي سياسي امت اسلام بوده است تا از اين طريق پيشاپيش زمينه افتراق بين گروههاي مسلمان (به علت طرد افرادي از مبارزين كه در جريان جنگ دچار خطا و تخلف شدند) و ساير اقشار جامعه، محو شود.در همين جنگ است كه به نقل تاريخ; جوان مسلمان ايراني پس از وارد آوردن ضربه‌اي بر افراد سپاه دشمن مي‌گويد: «خذها و انا الغلام الفارسي (اين ضربت را تحويل بگير كه منم يك جوان ايراني) اما پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله او را خطاب و عتاب نمود كه چرا نمي‌گويي منم يك جوان انصاري؟! و منظور آن است كه به اين وسيله هم، آهنگ برانگيخته شدن تعصبات قومي ديگر را خاموش، و وحدت صفوف اسلام را حفظ كند و هم، ملاك افتخار و ارزش را از محور قوم و نژاد و مليت‌به دين و مكتب و ارزشهاي توحيدي بازگرداند.بدين‌سان حضرت از هر عاملي براي نگهداري تفوق اجتماعي و جلوگيري از تفرق استفاده مي‌كرد و حتي در جريان تخريب مسجد ضرار!حفظ وفاق ملي: سياست پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله درباره ويران كردن مسجد ضرار دقيقا به قصد ايجاد يك مانع مؤثر براي جلوگيري از ظهور شكاف سياسي در جامعه اسلامي بود تا پياپي، وفاق ملي آسيب نبيند.يك مثال ديگر اندر كژروي شايد ار از نقل قرآن بشنوي اين چنين كژ بازيي مي‌باختند مسجدي جز مسجد او ساختند فرش و سقف و قبه‌اش آراسته ليك تفرق جماعت‌خواسته قصدشان تفريق اصحاب رسول فضل حق را كي شناسد هر فضولبر اين اساس، پيامبر بزرگوار اسلام‌صلي الله عليه وآله حتي در آخرين سفارشهاي خود به امت اسلامي نيز چنين مي‌گويد: «ايها الناس، ان دماءكم و اموالكم عليكم حرام الي ان تلقوا ربكم، كحرمة يومكم هذا، و كحرمة شهركم هذا...» و نيز در آخر خطبه دارد كه: «... ايها الناس اسمعوا قولي و اعقلوه، اعلموا ان كل مسلم اخ للمسلم و ان المسلمين اخوة.» [11] .

## راهبردهاي قومي و ميهني

### نفي نژاد پرستي و قوميت گرايي

يكي ديگر از راه‌حل‌هايي كه پيامبر مكرم اسلام‌صلي الله عليه وآله در مسير بنيانگذاري وحدت امت اسلامي به كار مي‌گرفت، نفي نژادپرستي، قوميت‌گرايي و تبعيض‌هاي ناروا و ناپسند بود.شكستن ارزشهاي جاهلي: مبارزه پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله با برده‌داري آن زمان كه همراه افزايش تدريجي قدرت سياسي و اجتماعي حضرت با قاطعيت روزافزوني نيز توام بود، بهترين شاهد است. اين جنبش، بخشي از حركت‌هاي عدالت‌خواهي پيامبرصلي الله عليه وآله در برابر ظلم آشكار آن دوره به شمار مي‌آيد چرا كه حضرت به دنبال تاسيس جامعه فلاح‌پسند ديني و پايه‌گذاري حزب رستگاران است كه: «الا ان حزب الله هم المفلحون (مجادله /22) و نيك، از قرآن آموخته كه فلاح و سعادت با ظلم و شقاوت قابل جمع نيست: «.. انه لايفلح الظالمون . (انعام /35)يكي از تلاشهاي پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در دوره ابتدايي حضور ده ساله مكه مكرمه، گسستن مباني نظام ارزشي حاكم بر جامعه جاهلي آن زمان بود. در بافت پيوندهاي عشيره‌اي; بردگان و كنيزكان بدون اذن صاحبان خود، حق هيچ‌گونه تصميم‌گيري مستقل و يا اظهار مشاركت اجتماعي خاص نداشتند. اجازه بردها در پذيرش يا عدم پذيرش معتقدات ديني خويش نيز به دست‌خود آنان نبوده است.دعوت فرهنگي پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله به توحيد، و نيز دعوت ارزشي حضرت به ايجاد تعلق ديني و حب اجتماعي توحيدي، سبب شد تا زمينه شكستن چنين تبعيض‌هاي ظالمانه‌اي فراهم گردد، معيارهاي جاهلي روابط نسبي از بين‌رفته و در نهايت افراد، بدون وابستگي قومي و قوم‌گرايي به دين جديد بگرايند چرا كه: «لاعصبية في الاسلام .حاصل توفيق پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در به كارگيري اين راه، مسلمان شدن افرادي از عشيره‌ها و قبايل متعدد مشركين و تمرد آنان از قوانين نظام قبيله‌اي و سپس، پيوستن به صفوف مؤمنان بود. اين روش، علاوه بر تاثيرگذاري «ارزشي و اجتماعي يعني ايجاد ياس و وحشت در دل مشركان و ويران شدن اصول ارزش حاكم، زمينه‌اي براي زايش نظام اجتماعي جديد پديد آورد.ارزش مساوات توحيدي: بعدها پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله در قالب فرمان، ارشاد يا نصيحت، مسلمانها را رهنمون به آزادسازي بردگان مي‌سازد و خود نيز چنين مي‌كند و اين فرمان «خداي بود كه ايمان به خود و آخرت و پيامبران را با بخشش مال در جهت آزادي انسانهاي ديگر همسنگ مي‌داند: «.. ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر والملئكة والكتاب والنبيين واتي المال علي حبه ذوي القربي و... وفي الرقاب و...» (بقره /177)حضرت، افرادي مانند «زيد بن حارثه را فرمانده سپاه اسلام، «بلال حبشي را مؤذن ويژه قرار مي‌دهد و از «سلمان فارسي ايراني تجليل مي‌كند و به او مقام و منزلت والا مي‌بخشد تا به اين ترتيب هم با تبعيض‌هاي موجود به مبارزه برخيزد: «من اعتق مؤمنا اعتقه الله العزيز الجبار...«و هم بتدريج ارزش تقوا را ملاك منصب‌ها و منزلت‌هاي اجتماعي، معرفي نمايد كه: «ان اكرمكم عندالله اتقيكم...» (حجرات /13)پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله آشكارا اعلام مي‌كرد آن غلام حبشي و اين سيد قريشي (هر دو) در نزد من يكسان هستند و بدين‌سان آن حضرت را منادي به حق مساوات توحيدي دانسته‌اند. چه اين كه: «كلكم لآدم و آدم من تراب ليس لعربي علي عجمي فضل الا بالتقوي . [12] .به هر حال رعايت تساوي و عدالت توسط پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله كه دقيقا در برابر ظلم و تبعيض‌هاي رايج قرار داشت، از مؤثرترين راهكارهاي ايجاد وحدت اسلامي در جامعه آسيب‌ديده آن روزگار بود.در متون تاريخي و روايي مي‌خوانيم كه حضرت تفاوتي بين برده و غيربرده نمي‌گذاشت و خود نيز در اجراي احكام، طعم شيرين حق مساوات و عدالت را به ديگران مي‌چشانيد; كه حتي در جمع مسلمانان، جايگاه پيامبر خداصلي الله عليه وآله ناپيدا بود و هر زماني در مجلس مي‌نشست افراد ناشناس بسادگي نمي‌توانستند حضور رسول‌الله‌صلي الله عليه وآله را نزد مردم بيابند. اوج درخشش اين مساوات‌طلبي حتي در چشمان مبارك رسول رحمت نيز نمايان بود كه: «كان رسول‌الله يقسم لحظاته بين اصحابه، ينظر الي ذا وينظر الي ذا بالسوية . [13] .البته شكي نيست كه همه اين آداب الهي در جلب حمايت توده مردم بسيار مؤثر بوده است. حضرت در يك تمثيل گويا مي‌فرمايد: «ان الناس من عهد آدم الي يومنا هذا مثل اسنان المشط لا فضل للعربي علي العجمي ولا للاحمر علي الاسود الا بالتقوي.» [14] .اين سيره با درايتي خاص و تدبيري موشكافانه در دوران حكومت پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله نيز دنبال مي‌شود تا همواره نقش خود را به عنوان يكي از ابزارهاي ارزشي وحدت‌ساز ايفا كند. پيامبرصلي الله عليه وآله درصدد است تا همه پايه‌هاي نابرابري‌هاي جاهلي را از ميان بردارد و بازگشت‌به عهد جاهليت و پسند احكام غيرالهي را ناممكن سازد كه: «افحكم الجاهلية يبغون...» (مائده/50)رسول الله‌صلي الله عليه وآله خود، آغازگر اين حركت‌بزرگ اجتماعي - ارزشي است و از هر رخدادي در جهت القا و تثبيت روح مساوات و عدالت انساني در جامعه نوپاي آن زمان بهره مي‌برد. در جايي به زيبايي تمام مي‌فرمايد: «ان الله يكره من عبده ان يراه مميزا بين اصحابه . [15] .بدين‌ترتيب مي‌توان نتيجه گرفت: نفي قوميت‌گرايي و هر نوع تعصب ناپسند جاهلي، هميشه مدنظر پيامبر گرامي اسلام‌صلي الله عليه وآله بوده است و هشدارهاي حضرت نيز به كساني كه حسب و نسب را ملاك افتخارات و ارزشها مي‌دانستند، در تاريخ اسلام ثبت‌شده است:«سلمان فارسي در مسجد پيامبرصلي الله عليه وآله نشسته بود. عده‌اي از بزرگان اصحاب نيز حاضر بودند و سخن از اصل و نسب به ميان آمد هر كسي درباره اصل و نسب خود چيزي مي‌گفت تا اين كه از سلمان سؤال كردند... او گفت: انا سلمان بن عبدالله، كنت ضالا فهداني الله عزوجل بمحمد، كنت عائلا فاغناني الله بمحمد وكنت مملوكا فاعتقني الله بمحمد. سپس پيامبرصلي الله عليه وآله وارد شدند و سلمان گزارش جريان را به حضرت رساند. رسول اكرم‌صلي الله عليه وآله به آن جماعت كه همه از قريش بودند فرمود: يا معشر قريش ان حسب الرجل دينه و مروئته خلقه و اصله عقله. [16] .همچنين در روايت ديگري، افتخار و فخرفروشي بر محور تعصبات قومي را از آتش جهنم مي‌شمارد: «ليدعن رجال فخرهم باقوام انما هم فحم من فحم جهنم...» [17] .در همين رديف بايد بر زندگي بسيار ساده پيامبر عزيزصلي الله عليه وآله اشاره كرد كه به نقل اميرالمؤمنين‌عليه‌السلام حتي اجازه نصب پرده‌اي با نقش و نگار معمولي را بر در خانه خود نمي‌دهد. اين امر، بهترين شاهد و عالي‌ترين زمينه براي جذب انسانهاي محروميت كشيده آن زمان و عامل تحقق وحدت ديني بود. به نقل صحابه آن حضرت: «كان رسول‌الله‌صلي الله عليه وآله خفيف المؤونة .زيباترين تعبير پيرامون نقش ارزشي پيامبران همان است كه در نهج‌البلاغه مي‌خوانيم: «مع قناعة تملا القلوب والعيون غني و خصاصة تملا الابصار و الاسماع اذي . [18] .حمايت از محرومين: در جهت نفي تعصبات قومي، خطمشي حمايت از محرومين و بيچارگان نيز قرار دارد. اين گروه كه عمدتا بردگاني از مردان و زنان‌اند طبق قوانين حاكم، زير پوشش حمايتي هيچ قوم و قبيله‌اي نبودند و لذا از كليه حقوق اجتماعي و سياسي محروم مي‌شدند و به دليل ساخت‌سياسي خاص دوران جاهلي و نيز ناتواني‌هاي گوناگون اين افراد، امكان پي‌ريزي جامعه‌اي مستقل را هم نداشتند.در چنين شرايطي، مخالفت پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله با تبعيض‌ها و قوم‌گرايي‌ها و از سوي ديگر، حمايت از محرومان، سبب جذب اين گروه به اسلام و پيامبرصلي الله عليه وآله مي‌شد و بدين‌ترتيب گروه كثيري بر محور رسول خداصلي الله عليه وآله وحدت اجتماعي و سياسي پديد مي‌آوردند. در واقع، محتواي فكري دعوت حضرت در اعلام اصالت تقوا و كرامت انساني و نيز مقتضاي عملكرد او، نقش يك ابزار پويا براي ايجاد وحدت اسلامي نوين را ايفا كرد.اين اعلام حمايت و جانبداري كه بتدريج دامنه پوشش آن نيز گسترده مي‌شد، توانست نيروهاي خسته و گريزان، ستم‌ديده و درگير ترديدهاي فكري را به مركزي واحد هدايت كند و پايه‌هاي وحدت ديني را استوار سازد.

### نقش بيت‌الله

با نظري به رويدادهاي تاريخ اسلام بعضي راه‌حل‌هاي ديگر نيز به چشم مي‌آيد كه در آنها به نحوي از ظرفيت و مقتضيات موجود جامعه آن زمان در جهت تحقق وحدت اسلامي بهره‌برداري شده است.در اين‌باره تاثير كعبه مكرمه و كيفيت استفاده پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله از آن به عنوان يكي از ابزارهاي ارزشي وحدت‌ساز شايان توجه است چه اين كه: «ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدي للعالمين . (آل‌عمران /96)پيامبرصلي الله عليه وآله از موقعيت مكاني مكه و فرصت زماني ايام حج در مقطعي كه تمام مردم جزيرة‌العرب به آن جا مي‌آمدند بهره مي‌برد تا دعوت توحيدي خود را به مهتران و بزرگان قبايل ارائه دهد. در متون تاريخي نام قبيله‌هاي «بني‌حنيفه ، «كنده ، «بني‌صعصعه ، «كلب و ديگران را در فراخوان حضرت مي‌بينيم و حتي گرايش مردم يثرب به اسلام هم از طريق همين تدبير در استفاده از موقعيت‌خانه خدا و موسم حج‌بوده است: «جعل الله الكعبة البيت الحرام قياما للناس . (مائده /97)ميزان كارآمدي اين عامل در تمايل و كشش توده‌ها به سوي پيامبرصلي الله عليه وآله به قدري بود كه كفار و مشركان را كاملا در موضع انفعالي قرار مي‌داد. آن گونه كه پيش از آغاز مراسم براي جلوگيري از شعاع نفوذ پيام نبي‌صلي الله عليه وآله به مشورت مي‌پرداختند تا مناسب‌ترين شيوه‌هاي تبليغي و رواني را براي تغيير اذهان مخاطبان و مردم به كار گيرند. شعارهاي رواني - سياسي آنها اين بود: «وقالوا يا ايها الذي نزل عليه الذكر انك لمجنون . (حجر/6)و مهم اين است كه در تبليغاتشان، روح تعصب‌هاي نژادي و قومي موج مي‌زد: «ويقولون ائنا لتاركوا الهتنا لشاعر مجنون . (صافات /36)

## راهبردهاي اجتماعي و فردي

### حميت عربي و حس مشترك

بهره‌برداري پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله از اخلاق و خصوصيات روحي عرب جاهلي در جهت اهداف توحيدي و بويژه تحقق وحدت اسلامي، يكي ديگر از راهبردهاي ارزشي به شمار مي‌آيد.ظرفيت‌هاي روحي جامعه آن زمان در تمامي شرايط اجتماعي خاص خود تنيده شده بود و پيوندي مستحكم با پيشينه تاريخي‌اش داشت; سعي پيامبرصلي الله عليه وآله اين بود كه قابليت‌ها را به سمت مطلوبيت‌هاي موردنظر هدايت كند و به نوعي، آميزه‌هاي اخلاقي نويني به وجود آورد. بدين‌سان پيامبر عزيزصلي الله عليه وآله از اين امكانات اخلاقي و روحي براي پديدآوري يك همگرايي ديني و استحكام علايق مشترك اعراب در جهت آرمانهاي امت واحده استفاده مي‌كند.روحيه تعصب و حميت عربي، تعهد و وفاي به عهد و پيمان، شجاعت و دلاوري يا ميهمان‌نوازي، نمايانگر شاخصه‌هاي اجتماعي اعراب جاهلي شده است: «اذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية...» (فتح /26)و در همين حركت پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله اصلاح و بهسازي ارزشهاي حاكم در چارچوب نظام ارزشي اسلام را يكي از كليدهاي رويكرد اتحاد اسلامي مي‌داند. به اين صورت كه تعصب به قوم و قبيله، حفظ و بزرگداشت منزلت عشيره و رؤسا و بزرگان آن و نيز واكنش در حمايت از افراد طايفه (كه معمولا به نحو صريح يا ضمني توام با گونه‌اي تعهد و پيمان بود) بارها و بارها در تاريخ اسلام سبب حمايت از حضرت در مواضع مختلف و اصولا، زمينه تشكيل اولين وحدت سياسي و علني اسلام تلقي مي‌گردد. پيامبرصلي الله عليه وآله خود مي‌فرمود: «ما نالت مني قريش شيئا اكرهه حتي مات ابوطالب.» [19] .به هر حال، چنين بيعت‌هايي نه تنها در محدوده داخلي كه بيشتر در تعهد قبايل نسبت‌به يكديگر نيز كاربرد داشت و طبق رسوم جاهلي تا زمان اعلام انصراف هم‌پيمان يا هم‌پيمانان به قوت خود باقي مي‌مانده است. و پيامبرصلي الله عليه وآله نيز از همين طريق ديگران را دعوت به اسلام مي‌كرد و در طول تاريخ مكرر بين حضرت و افراد يا گروهي از ياران، پيمانهاي گوناگوني منعقد مي‌گرديد كه تكرار آن حاصلي جز فراگيري دامنه وحدت اسلامي نداشت. شبيه آنچه در «عقبه اولي ، «عقبه ثانيه ، «بيعت در غزوه بدر»، «بيعت رضوان و غير آنها روي داد.شجاعت و دليري اعراب كه ريشه در وضعيت‌خاص آن جامعه و نيز مسايل جغرافيايي و طبيعي داشت، هيچ‌گاه به صورت مطلق از ناحيه پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله مطرود و مذموم دانسته نشد بلكه اين روحيه‌خاص نيز در مسير اصلاح و امور پسنديده و صحيح قرار گرفت. و بدون ترديد اين امر در گسترش حاكميت‌سياسي اسلام كه فقط در طي ده سال، بيش از هشتاد غزوه و سريه را در پرونده خود جاي داده، تاثير بسزايي داشته است.حضرت، در جنگهاي بسياري ضمن تجليل و تمجيد از روحيه شجاعت و سلحشوري سربازان اسلام، ارزشمندي آن را در محدوده عبادت و تقواي الهي مورد سنجش و مقايسه قرار مي‌داد و بدين‌سان شيوه تعديل و تصحيح ويژگي‌هاي اخلاقي اعراب را برمي‌گزيد مانند: «ضربة علي يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين از سوي ديگر، پيامبرصلي الله عليه وآله در تقويت و اصلاح روحيه مهمان‌نوازي اعراب نيز مي‌كوشد كه اين نيز سبب جذب فزونتر افراد به قلمرو مسلمانان است.پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله مسلمين را امر به سخاوت و بخشش اموال و انفاق دارايي‌هاي خود مي‌كرد بر مبناي: «لن تنالوا البر حتي تنفقوا مما تحبون...«(آل‌عمران /92) و خود مي‌فرمود: «فاحسنوا صحبة السلام بالسخاء...» نيز در دوره اوليه تكون جامعه اسلامي از انصار مي‌خواست مهاجران را مورد حمايت قرار دهند و مسلمانان مدني هم با توجه به همان روحيه خاص اجتماعي، (كه اكنون صبغه ديني هم پيدا كرده بود) چنين كردند تا آن جا كه براي اسكان مهاجران در خانه‌هاي خود به قرعه‌كشي روي آوردند: «والذين تبوءو الدار والايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم ولايجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا ويؤثرون علي انفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون . (حشر /9)بدين‌ترتيب بهره‌بري پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله از اين ظرفيت روحي كه با صحه گذاشتن و تعديل ديني همراه بود، سبب شد تا وحدت اسلامي، هر روز با اقتدار بيشتري همراه باشد و به مرور زماني، تسري يابد. البته نزد اسلام، اصل تعدد در مليت و اقوام نفي نمي‌شود اما ستيزه‌جويي و ايجاد تشتت در وحدت سياسي و وفاق عمومي جامعه اسلامي نيز مورد قبول نيست. چه اين كه: «انا خلقناكم من ذكر وانثي وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا...» (حجرات /13) بدين‌ترتيب چنانچه تعصب در مسير پايبندي بر غير حق و تهي شدن از ارزشهاي ديني و انساني و تنها به صرف تكيه بر قوميت و ملي‌گرايي باشد، مورد پذيرش دين و پيامبر اسلام‌صلي الله عليه وآله نيست: «ليس منا من دعي الي عصبية . [20] .

### آداب اخلاقي

پيامبر گرامي اسلام‌صلي الله عليه وآله يكي از اهداف عالي رسالت‌خود را اتمام اخلاق نيك و تكميل فضايل الهي و اخلاقي انسان مي‌داند كه: «اني بعثت لاتمم مكارم الاخلاق [21] و بر اين بنيان يكي از موارد ديگري كه مي‌توان در زيرمجموعه راهبردهاي ارزشي پيامبرصلي الله عليه وآله در جهت ايجاد زمينه وحدت اسلامي ياد كرد، نحوه رفتار فردي و آداب خاصي است كه از آن حضرت در متون تاريخي آورده‌اند چه اين كه: «وانك لعلي خلق عظيم . (قلم /4)برخوردهاي پرجاذبه: اخلاق نرم و خوي پر جاذبه رسول حق همواره يكي از مهمترين ابزارهاي ارزشي وحدت ديني و فرونشاندن اختلاف‌ها و نزاعها و جذب انسانهاي پاك‌سرشت‌بوده است: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك...» (آل‌عمران/159)رويدادهاي تكان‌دهنده تاريخ اسلام آن چنان آشكار و گوياست كه هيچ نيازي به ترجمان تحليلي ندارند چه اين كه: «الم نشرح لك صدرك (شرح /1) يكي از هزاران: فردي به نام «غورث بن الحارث در برابر پيامبرصلي الله عليه وآله شمشير در دست گرفت و گفت: «من ينجيك مني ، رسول خداصلي الله عليه وآله مي‌فرمايد: «الله . لرزه بر اندام او افتاد و شمشير از دست‌بينداخت. سپس، پيامبر او را آزاد كرد. همين شخص هر جا مي‌رود مي‌گويد: «جئتكم من عند خير الناس . [22] .و به واقع عنوان: «اطهر المطهرين شيمة واجود المستمطرين ديمة...» [23] تنها بر او زيبنده بود. اين سلوك و اخلاق نيكوي الهي است كه او را اسوه حسنه و نمونه برتر انسان كامل مي‌دانند تا آن جا كه محبت معجزه‌آساي او سبب مي‌شد مخالفان سرسختش به صف دوستان مؤمن سوق يابند [24] و اين آداب الهي، محور جمع و وحدت دلها قرار گيرد. دعوت فطري پيامبرصلي الله عليه وآله جان تشنه هر حق‌خواهي را مجذوب او مي‌ساخت و اين، نيكوترين ابزار براي دميدن روح وحدت ديني بود:در دل هر امتي كز حق مزه است روي و آواز پيمبر معجزه‌ستچون پيمبر از برون بانگي زند جان امت در درون سجده كند(مولوي)پيوندهاي خانوادگي: در رديف آداب ويژه پيامبر مي‌توان به فلسفه پيوندهاي خانوادگي حضرت اشاره‌اي كوتاه كرد. بدون ترديد با توجه به جايگاه خاص نظام قبيله‌اي در جامعه آن روز، يكي از آثار اجتماعي اين امر ايجاد الفت، پيوند بين قبايل، و وحدت لايه‌هاي اجتماعي بوده است. اين نوع پيوندهاي قبيله‌اي (به نوعي) بديل حلف‌هاي قانوني و رسمي شناخته مي‌شود و پيش از اسلام نيز ازدواج‌هاي متقابل، دشمني‌ها را به دوستي تبديل مي‌ساخت. به عنوان نمونه ازدواج پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله با «جويريه دختر حارث از طايفه بني‌مصطلق بود كه مسلمانان، به سبب اين خويشاوندي، بقيه اقوام او را آزاد كردند و در نهايت تمام طايفه او به اسلام پيوستند و يا ازدواج حضرت با «صفيه دختر حي بن اخطب يهودي ، سردار بني‌قريظه كه پس از اسارت، همسري پيامبر خدا را در برابر آزادي و الحاق به خانواده خود برمي‌گزيند و در آخر، به همراه گروهي از اقوام، اسلام مي‌آورند.

## امت اسلامي و وحدت ديني

اين بحث را با نظري به رسالت امت اسلامي در تداوم رحمت نبوي تا تحقق وحدت اسلامي، به پايان مي‌بريم:«وحدت ، جوهره قوام، پايداري و حيات هستي است و پيامبران، مامور و سرپرست احياي رحمت مطلقه الهي در دنياي انساني:برگ و ساز كائنات از وحدت است اندرين عالم حيات از وحدت است(اقبال لاهوري)و محمد خاتم‌صلي الله عليه وآله، پيامبر وحدت و رسول رحمت: «وجعلني رسول الرحمة و رسول الملاحم . [25] .رحمت واسعه الهي، با او جريان يافته: «واطيعوا الله والرسول لعلكم ترحمون (آل‌عمران/132) و امت‌بشري حول خاتميت او گرد مي‌آيند: «ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين (احزاب /40) و با اين همه، چشمه جوشان رحمت الهي است كه: «فبما رحمة من الله لنت لهم...» (آل‌عمران /159)نداي وحدت او، صداي وحدت‌طلبي تمامي انبياي الهي است و اين آهنگ شيرين در حلقوم مبارك او به كمال نهايي خود مي‌رسد:نام احمد نام جمله انبياست چون كه صد آمد نود هم پيش ماست(مولوي)او آخرين پيامبران از سلسله مناديان رحمت و وحدت الهي است; «تقدم در غايت و تاخر در نوبت دارد يعني: «لولاك لما خلقت الافلاك .پس سري كه مغز آن افلاك بود اندر آخر خواجه لولاك بودبا محمد بود عشق پاك جفت بهر عشق او خدا لولاك گفت(مولوي)و از اين‌رو، به تمام شاخ و برگ‌هاي اين شجره طيبه; رنگ، عطر، و ميوه حيات ابدي مي‌بخشد و با خاتميت او، درخت نبوت الهي معنا مي‌يابد كه: «ما من نبي آدم و من سواه الا تحت لوائي [26] يعني:«هر چه دارند اوليان و آخريان همه از عكس او دارند و سايه اويند»!(مولوي)آدم و نوح و خليل و موسي و عيسي آمده مجموع در ظلال محمد(سعدي)و از اين پس، امت محمدي او; «امة مرحومة و «امة آخرون السابقون ، و نيز، آخرين نخبگاني‌اند كه پذيراي حضور اويند;پس به معني آن شجر از ميوه زاد گر به صورت از شجر بودش ولادمصطفي زين گفت كادم و انبياء خلف من باشند در زير لوابهر اين فرموده است آن ذوفنون رمز نحن الآخرون السابقونگر به صورت من ز آدم زاده‌ام من به معني جد جد افتاده‌ام(مولوي)و بي‌شك امت محمدصلي الله عليه وآله رسالت گسترش دعوت او را تا توسعه امت واحده الهي در پهنه ارض به دوش دارند چرا كه: «كنتم خير امة اخرجت للناس...» (آل‌عمران /110) و همانانند كه برگزيدگان خدايند و غير آنان، زيانكاران: «ومن يبتغ غير الاسلام دينا فلن يقبل منه و هو في الاخرة من الخاسرين (آل‌عمران /85)به آرزوي روزي كه وحدت اسلامي، راهي براي پيوند جوامع اسلامي، به امت واحده الهي گردد و دعوت «امت با دعوت «خداي ، همسان كه: «والله يدعوا الي دارالسلام ويهدي من يشاء الي صراط مستقيم . (يونس /25) آن افق روشن و درخشان كه پيامبر وحدت براي امت عزيز اسلام به زيبايي تمام ترسيم نمود و شايسته: «فطوبي لك يا محمد ولامتك . [27] .طريقي كه وحدت امت را زمينه احياي امت واحده مي‌دانست چرا كه احياء امت واحده را با جوهره اقامه دين (تقوا و عبوديت الهي) همرديف شمرده: «... ان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاعبدون (انبياء /92) و از سويي، اقامه دين حق (در سلسله انبياء) را نيز به وحدت مي‌پيوندد: «شرع لكم من الدين ما وصي به نوحا والذي اوحينا اليك ما وصينا به ابراهيم و موسي و عيسي ان اقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه...» (شوري /13)و بدون ترديد استجابت و پذيرش نداي «پيامبر وحدت به وحدت ديني، قبول و احياي حيات ابدي انساني و الهي امت اوست كه: «يا ايها الذين آمنوا استجيبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم (انفال /24) و اين دستور قطعي الهي است كه: «يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول ولاتبطلوا اعمالكم (محمد /33) دستوري كه تخلف از آن، تباهي و سياهي آشكارا، به دنبال دارد: «ومن يعص الله ورسوله فقد ضل ضلالا مبينا». (احزاب /36)خلاف پيمبر كسي ره گزيد كه هرگز به منزل نخواهد رسيدمپندار سعدي كه راه صفا توان رفت جز بر پي مصطفي(سعدي)و به اين ترتيب; امت واحده، راهي است تا تفوق تمام: «هو الذي ارسل رسوله بالهدي و دين الحق ليظهره علي الدين كله وكفي بالله شهيدا.» (فتح /26) و سپس تسري اين حقيقت نهفته الوهي به همه وجدان‌هاي خفته كه: «محمد رسول الله (فتح /29)و در نهايت از حال تا آينده امت واحده فرايندي است‌به ميزان يك اراده جمعي يك تمايل معمولي و نيز صبري استوار و پايدار: «يا ايها الذين آمنوا استعينوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرين (بقره /153) و آن گاه پيامد آب حيات وعده الهي: «فاصبر ان وعد الله حق (روم/60)اين رهيافتي است كه به جاي مقصد، مسير، و مايه‌هاي دروني، بيشتر نيازمند همگرايي اراده و تمايلات وحدت‌طلبانه مسلمانان جهان حول محور جمع و نظام بخشيدن به آن است.امر حق را حجت و دعوي يكي است خيمه‌هاي ما جدا دلها يكي استاز حجاز و چين و ايرانيم ما شبنم يك صبح خندانيم ما(اقبال لاهوري)و آينده روشن، از آن مؤمنان مجاهدي است كه نور وحدت مي‌نشانند و كمال آن مي‌افشانند چه اين‌كه: «يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم ويابي الله الا ان يتم نوره ولو كره الكافرون (توبه/32) و آنگاه خشنود از سپاس الهي: «و رضوان من الله اكبر ذلك هو الفوز العظيم . (توبه/72)

## نتيجه گيري

وحدت امت همواره يكي از آرمانهاي ديني پيامبران توحيدي قلمداد مي‌شده و بر اين بنيان، يكي از محورهاي مهم دعوت پيامبر اكرم‌صلي الله عليه وآله نيز پي‌ريزي شاكله‌هاي پيدايش آن بوده است.تحليل رويدادهاي تاريخ اسلام گوياي آن است كه در جهت تلاشهاي «سياسي و «فرهنگي حضرت براي تحقق اين هدف، «راهبردهاي ارزشي نيز كارآيي خاص داشته‌اند تا آن جا كه با شناخت دقيق ظربفيت‌هاي اجتماعي حاكم بر جامعه، ابزارهايي برگزيده شده تا زمينه پذيرش و گرايش همگاني را به سوي ايجاد وحدت امت متمايل گرداند.طرح پيمان‌نامه ملي مدينه بهترين راه براي ايجاد يك وحدت عمومي و القاي روحيه همبستگي ديني بود و در همين راستا پيمان ويژه مسلمين، راهكاري مذهبي براي پيوند روح برادري به حساب مي‌آمد. استفاده از راهبردهاي ملي و مذهبي تنها مي‌توانست پايه‌هاي استواري اجتماعي جامعه را نمايان سازد; اما، در اين ميان مبارزه با نژادپرستي و قوم‌گرايي و يا به كارگيري عاقلانه موقعيت‌ها و مكانهاي تجمع عمومي نيز، از جمله راهكارهاي قومي و ميهني لازم جهت دستيابي به وحدت‌طلبي شمرده مي‌شد و با اين همه، بهره‌گيري پيامبرصلي الله عليه وآله از ظرفيت‌هاي اخلاق اجتماعي و نيز توان اخلاق فردي، امري قابل توجه است.بدين‌ترتيب، يكي از ضروري‌ترين راههاي پي‌ريزي وحدت ديني در امت‌بزرگ اسلامي، هماهنگي اراده‌ها و تمايلات ارزشي جوامع بر بنياد همانند سازي ابزارهاي سه‌گانه فوق است; يعني: «راهبردهاي ملي و مذهبي ، «قومي و ميهني و نيز «اجتماعي و فردي .

## پاورقي

[1] حميدالله، محمد: اولين قانون اساسي مكتوب در جهان، ترجمه غلامرضا سعيدي، تهران، انتشارات بعثت، 1365، ص 55-64.  
[2] علامه هندي، علاءالدين، كنزالعمال في سنن الاقوال و الافعال، بيروت، مؤسسه الرسالة، 1985م، ج 1، ص‌149.  
[3] آيتي، محمد ابراهيم، تاريخ پيامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،1366، ص‌235.  
[4] تفصيل اين سخن را در جاي خود بايد دنبال كرد; نگاه كنيد: حسيني، سيد حسين: «علوم انساني اسلامي، مبناي تحقق وحدت فرهنگي ، نامه فرهنگ، بهار1377، شماره‌29 و نيز: جزوه درسي «عرفان ديني از همين قلم.  
[5] روايت پيامبرصلي الله عليه وآله در كنزالعمال، جلد 1، ص‌149.  
[6] علامه مجلسي، محمدتقي، بحارالانوار، تهران، دارالكتب الاسلاميه،1403 ق، جلد39، ص‌56.  
[7] الميبدي، ابوالفضل رشيدالدين، كشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، به اهتمام علي‌اصغر حكمت، تهران، اميركبير، 1361، جلد9، ص 271-267.  
[8] حاج سيد جوادي و ديگران، دايرة‌المعارف تشيع، تهران، سازمان دايرة‌المعارف تشيع،1366، جلد 1، ص‌243.  
[9] تاريخ پيامبر اسلام، ص‌272. [  
[10] بهشتي، سيد محمد، محيط پيدايش اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي،1367، ص‌147.  
[11] ابن‌هشام، ابومحمد عبدالملك: السيرة النبويه، قم، انتشارات ايران،1363، جلد 4، ص‌250.  
[12] يعقوبي، احمدبن ابي يعقوب: تاريخ يعقوبي، ليدن،1883م، جلد 2، ص‌110.  
[13] كليني رازي، ابوجعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق: الاصول من الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه،1363، جلد 8، ص‌268.  
[14] بحارالانوار، جلد22، ص‌348.  
[15] مطهري، مرتضي، سيره نبوي، تهران، انتشارات صدرا،1367، به نقل از «هديه الاحباب داستان روايت را آورده است.  
[16] مطهري، مرتضي، خدمات متقابل اسلام و ايران، تهران، انتشارات صدرا، 1362، ص‌75 و76.  
[17] سنن ابي‌داوود، جلد 2، ص‌624 به نقل منبع پيشين، ص‌74.  
[18] نهج‌البلاغه، ترجمه دكتر سيدجعفر شهيدي، تهران، انتشارات سهامي عامل، 1371، خطبه 192، ص‌215.  
[19] تاريخ پيامبر اسلام، ص‌168.  
[20] بحارالانوار،جلد73، ص‌283.  
[21] همان، جلد16، ص‌210.  
[22] البخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري، چهار جلدي، بيروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بي‌تا، جلد 2، ص‌539.  
[23] نهج‌البلاغه، خطبه 105.  
[24] پاره‌اي مورخان داستاني از كافري خشن و معاند نقل مي‌كنند كه به خانه پيامبرصلي الله عليه وآله به مهماني رفت و در نهايت‌با ايمان خارج شد. اين جريان نمونه جالبي از همين تاثير اخلاقي و الهي خاص پيامبر رحمت است. نگاه كنيد: زرين‌كوب، عبدالحسين، بحر در كوزه، تهران، علمي،1367، ص‌104 و 105.  
[25] شيخ صدوق، ابوجعفر، معاني‌الاخبار، تصحيح علي‌اكبر غفاري، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات،1399 ق، ص‌51.  
[26] بحر در كوزه، ص‌115.  
[27] معاني‌الاخبار، ص‌51.

# درباره مركز تحقيقات رايانه‌اي قائميه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم  
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)  
با اموال و جانهاى خود، در راه خدا جهاد نماييد؛ اين براى شما بهتر است اگر بدانيد حضرت رضا (عليه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌اى كه امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهاى ما را ياد گيرد و به مردم ياد دهد، زيرا مردم اگر سخنان نيكوى ما را (بى آنكه چيزى از آن كاسته و يا بر آن بيافزايند) بدانند هر آينه از ما پيروى (و طبق آن عمل) مى كنند  
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159  
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.  
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.  
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.  
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :  
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه  
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...  
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رايگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر  
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای   
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)  
ز)طراحی سيستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبايل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...  
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...  
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال  
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان  
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026   
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com  
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)  
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.  
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خيابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی  
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».  
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».  
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».  
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».